یادداشت

ایرانی؛ مثل تار و پود در قالی!

روزنامه نگار
غلامرضا نبی اسدی

تا در مذمت اختلاف می‌گویی و بر ضرورت راه بستن بر چندپارگی می‌نویسی، برخی فورا جمله «اختلاف امتی رحمه» را توی چشمت می‌کنند و به بی‌سوادی و بهره نبردن از فیض معرفت نبوی متهمت می‌کنند. تأمل در این کلام و تراز کردن آن با ادبیات قرآنی به ما می‌گوید که این «اختلاف» هرگز به معنای پاره‌پاره شدن نیست تا آن را در برابر «وحدت» و یکپارچگی قرار دهند و کبریت آتش گمراهی را بکشند. این «اختلاف» به معنای «آمد و شد» است؛ چنان‌که در آیه ۱۹۰ سوره شریف آل عمران نیز می‌خوانیم: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه‌های روشنی برای خردمندان است». اهل معرفت و خرد نیز از این اختلاف، رفت و آمد را می‌فهمند که باعث توسعه دانایی و شناخت است نه بر کرانه اختلاف نشستن حتی اگر صرفا در ساحت نظر باشد. به هرحال این نظر است که بستر عمل را فراهم می‌کند. ماجرای سوءبرداشت از کلام نبوی را همین جا باید نقطه پایان گذاشت و درهای وفاق را گشود که «به اتفاق، جهان می‌شود گشود»، اما اختلاف از آن نوعی که از گفتار سیاسیون به رفتارشان راه پیدا می‌کند، درهای دوستی را می‌بندد و خانه را هم به دشمن می‌دهد.

به اتفاق به عنوان یک راهبرد ملی- دینی- انقلابی بیندیشیم و بدانیم که ارتقای روزآمد وحدت، خواست خداست با تضمینی چنین که در کلام رسول اعظم الهی(ص) می‌خوانیم: «یدا... مع الجماعه؛ دست خدا با جماعت است». گره‌ها نیز به دست قدرت الهی گشوده می‌شود؛ چنان‌که در دوران حیات خود بارها تجربه کرده‌ایم که با وحدت می‌شود بر مشکلات فائق آمد. سنگ‌های ناجنبنده با اتفاق دست‌ها و توان‌ها، از سر راه برداشته می‌شود. اتحاد تارها و پودهاست که قالی می‌شود. همراهی است که به نتیجه می‌رسد.

از پیامبر وحدت(ص) همواره در یاد داشته باشیم که «من فارق الجماعه شبراً خلع ا... ربقه الاسلام من عنقه؛ هرکه یک وجب از جماعت جدا شود، خدا طوق مسلمانی را از گردنش می‌برد.»؛ چراکه تقویت و بقای اسلام، بستگی به همگرایی و اتحاد جامعه مسلمین دارد؛ چنان‌که بقای وطن و تمامیت ارضی ایران عزیز هم اتحاد هر روز مستحکم‌شده‌تر فرزندانش را می‌طلبد. اتفاقا دنیای اسلام هم زمانی دعوت ما به وحدت را جدی و کاربردی می‌داند که اتحادمان در درون به بنیان مرصوص تبدیل شده باشد. درحقیقت دنیا رفتار و کردارمان را جدی می‌گیرد هزار بار بیشتر از گفتارمان و امضای گفتار با رفتار است.

اتحاد البته به معنای نگاه شدن و راه‌بندان تفاوت‌ها نیست، بلکه یک بایستگی راهبردی است که براساس مشترکات، ما را با هر گرایش دورهم می‌آورد. تریبون‌های وحدت‌شکن و اختلاف‌برانگیز را خاموش کنیم. قلم‌های تفرقه را بشکنیم. در گام اول برای ایران، توان‌هامان را روی هم بگذاریم. الگویی موفق بسازیم که توفیق همه اقوام و مذاهب و اندیشه‌ها را نمایان کند. چنین که شد، در گام دوم، دنیای اسلام هم با جدیت و احترام، دعوت ما را خواهد پذیرفت. این یعنی ذات، یافته از هستی‌بخش‌شده ماست که می‌تواند بشود هستی‌بخش. چه واقعیت همان است که جامی حکیم می‌گوید؛ «الجماعه رحمةٌ و الفرقه عذابٌ؛ همگرایی و اتفاق، رحمت الهی است و تفرقه و جدایی، عذاب». و حاشا که ملت بیدار ما جز به راه وحدت، قدم بگذارد!

اشارت

میلادی با سعادت

ریحانه عامل‌نیک| در مدینه طیبه به‌دنیا آمد. در فضل و بزرگی مادر بزرگوارشان روایت‌های متعددی بیان شده است و پدر بزرگوارشان حجت خداوند بر روی زمین بودند. در ولادت آن حضرت، ۱۱ ذی‌الحجه و ۱۱ ربیع‌الاول نیز ذکر شده است. پدر آن حضرت موسی بن جعفر(ع)، و مادرشان ام‌البنین نجمه(س) است. نام مبارکشان علی است و کنیه آن حضرت ابوالحسن و کنیه خاصشان ابوعلی. علی بن موسی الرضا(ع)، ولی نعمت ایران زمین، در زمانی متولد شدند که جامعه شیعی عزادار فقدان پدر بزرگ عالمشان امام صادق(ع) بود.

القاب حضرت، سراج ا...، نورالهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفوالملک، کافی الخلق، رب السریر، رئاب التدبیر (به معنای مصلح)، فاضل، صابر، وفی، صدیق و رضی بود.

هنگامی که آن حضرت به دنیا آمدند، پدر بزرگوارشان خواستند فرزندشان را ببینند. مادر مطهرشان آن حضرت را در پارچه سفیدی پیچیده، به خدمت پدر بردند. آن حضرت در گوش راست حضرت رضا(ع) اذان و در گوش چپ آن حضرت اقامه گفتند و آب فرات به کام مبارک آن امام بزرگوار ریختند و سپس ایشان را به مادر مکرمه‌شان، نجمه(س)، برگردانیدند.

شیخ صدوق به سند معتبر از نجمه خاتون(س)، مادر آن بزرگوار، روایت کرده است که فرمودند: «چون حامله شدم به فرزندم رضا، هیچ‌وقت سنگینی حمل در خود احساس نمی‌کردم و چون به خواب می‌رفتم، صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حق تعالی را از شکم خود می‌شنیدم، خائف و ترسان بیدار می‌شدم و صدایی نمی‌شنیدم. چون آن فرزند سعادتمند از من متولد شد، دست‌های خود را بر زمین گذاشت و سر مطهر خود را به سوی آسمان بلند کرد، لب‌های مبارکش حرکت می‌کرد و سخنی فرمود که من نفهمیدم». روایت‌های دیگری در علم و شأن ایشان نیز بیان شده است؛ هرچند «کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس!».

بردار و بخوان

شعاعی از نیر اعظم

از پیامبر(ص) شنیدن و خواندن آن هم از زبان آیت ا... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، می‌تواند برای همه مسلمانان جذاب باشد. گروهی از محققان و فضلای حوزه علمیه قم، با نظارت و هدایت مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دست به تدوین کتابی زده‌اند. آن‌ها مجموعه‌ای از سخنان ایشان را گردآوری کرده‌اند و نتیجه آن کتابی شده است به نام «شعاعی از نیر اعظم» که انتشارات سروش در سال پیامبر اعظم(ص) آن را منتشر کرد.

این کتاب دربردارنده بخش‌هایی چون ویژگی‌های رسول اعظم(ص)، ویژگی‌های عصر بعثت، بعثت پیامبر(ص)، وقایع خاص در تاریخ پیامبر اکرم(ص)، پایه‌گذاری تمدن اسلامی، نقش اهل بیت(ع) در نهضت نبوی، انواع تعامل با پیامبر اکرم(ص) و وظایف مسلمانان دربرابر ایشان است.

در این کتاب نویسندگان در قالب چند بخش به تاریخ صدر اسلام، با محوریت شخصیت، اندیشه و منشور فکری و عقیدتی پیامبر اکرم(ص) پرداخته‌اند. کتاب با ویژگی‌های اخلاقی پیامبر آغاز می‌شود و با بحث روی حقیقت وجودی و خلقت نوری پیامبر اعظم(ص)، تصدی حکومت الهیه و ولایت مطلقه ادامه پیدا می‌کند. تحلیل اخلاق و سیره پیامبر از نظر فردی و شخصی و نیز اخلاق حکومتی ایشان، بخش‌های دیگر کتاب را تشکیل می‌دهد.

در فصل دیگری، تعلیمات پیامبر(ص) بررسی شده و در ویژگی‌های عصر بعثت، فراگیر بودن جاهلیت در این مقطع تاریخی و نیز انحطاط اخلاقی اعراب بدوی توضیح داده شده است. سرگردانی، فقر و حاکمیت طاغوت‌ها، از موضوعات دیگری است که در بررسی ویژگی‌های اعراب پیش از اسلام، به آن اشاره شده است.

در آخرین بخش به وظایف مسلمانان دربرابر پیامبر اکرم(ص) اشاره می‌شود و به طور دقیق، جزء به جزء و مفصل این وظایف و چگونگی تحقق آن‌ها توضیح داده می‌شود.

نگاهی به برخی شاخص‌های رفتاری رسول خدا(ص) در خانواده براساس روایات و احادیث

او مهربان‌ترین شخص برای خانواده‌اش بود

حمیده ذاکری| روایت‌ها می‌گویند آن قدر اهل مدارا و محبت بود که همه آن‌ها که او را می‌شناختند، دوستش داشتند. روایت‌ها می‌گویند که خوش‌خلق‌ترین بود و کلام خدا هم شهادت می‌دهد که زیباترین نسخه اخلاق بود. روایت‌ها می‌گویند نیک‌ترین مردم زمانه‌اش بود و خویشان و نزدیکانش شهادت می‌دهند که او محمد، رسول خدا(ص)، با همه این چنین بود. عجیب هم نبود؛ چون برای به کمال رساندن اخلاق آمده بود. آمده بود تا به ما بگوید نیکی اگر اهلش باشیم، چقدر زیبا و چقدر ماندگار است. آمده بود تا برای ما الگو باشد؛ الگویی از زیست اخلاقی، الگویی برای همه شئون و همه مراحل زندگی. این است که مثل یک کتاب مرجع هر وقت و در هر زمینه می‌شود به او مراجعه کرد. دهم ربیع‌الاول، سالروز ازدواج حضرت محمد مصطفی(ص) و حضرت خدیجه(س) و با توجه به نزدیک بودن روز میلاد ایشان فرصتی فراهم شد تا به این نسخه بی‌نظیر اخلاق مراجعه کنیم و از او چگونگی رفتار با همسر و خانواده‌مان را بیاموزیم. در ادامه شاخص‌های رفتاری رسول گرامی اسلام(ص) را با همسرانشان براساس روایات و احادیث بررسی می‌کنیم.

خدمتی که اجر شهادت دارد

رسول خدا(ص) خدمت به خانواده را تنها کار انسان «صدیق» یا «شهید» یا مردی که خداوند خواسته است خیر دنیا و آخرت را به او برساند، می‌شمارند (بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲). ایشان با همه عظمت و موقعیت ممتازشان در منزل، به افراد خانواده کمک می‌کردند و کارهای شخصی‌شان را خودشان به‌عهده می‌گرفتند و از کودکان نگهداری می‌کردند. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷). عایشه، همسر آن حضرت، می‌گوید: «پیامبر لباس خود را می‌دوخت و کفش خویش را وصله می‌کرد» (مکارم‌الاخلاق، ص ۱۵).

پیامبر(ص) تا زمانی که حضرت خدیجه(س) زنده بود، همسر دیگری نداشت و تا پایان عمر به یاد ایشان بود و با دادن صدقه، همواره یاد و فداکاری‌های همسرشان را گرامی می‌داشت

رحمتی که نازل می‌شود

به فرموده محمد رسول خدا(ص)، در وقت جاری شدن خطبه عقد میان زن و مرد، درهای رحمت آسمان گشوده می‌شود. رسول گرامی، زندگی مشترک را عامل ایجاد امنیت روحی و روانی زن و شوهر می‌دانست و در این باره می‌فرمود: «بنده مسلمان پس از اسلام، به فایده‌ای بالاتر از زن باایمان دست نیافته است که وقتی به او نگاه می‌کند، خوشحال شود و به آرامش برسد و اگر به او امر کند، اطاعت کند». (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳).

بهترین عطیه خدا

پیامبر(ص) تا زمانی که حضرت خدیجه(س) زنده بود، همسر دیگری نداشت و تا پایان عمر به یاد ایشان بود و با دادن صدقه، همواره یاد و فداکاری‌های همسرشان را گرامی می‌داشت. (مناقب آل ابیطالب، ج ۳، ص ۹۰). ایشان در حدیثی در وصف حضرت خدیجه(س) فرمود: «پروردگار، بهتر از او را به من نداده است. وی زمانی به من ایمان آورد که مردمان، کافر بودند. او مرا راستگو شمرد هنگامی که مردم، مرا دروغگو شمردند» (کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۱۳۲).

محبتی که نشانه ایمان است

سیره پیغمبر(ص) به گونه‌ای است که انس بن مالک که خادم پیغمبر(ص) بوده و در خانه ایشان خدمت می‌کرده است، درباره آن حضرت می‌گوید: من فردی را مهربان‌تر از پیغمبر به خانواده ندیدم و ما نیز باید سیره آن پیامبر(ص) بزرگوار را الگو و سبک زندگی‌مان قرار دهیم. ایشان در حدیثی درباره اهمیت محبت به خانواده می‌فرمایند: «مؤمن‌ترین مردم، کسانی‌اند که با خانواده خود، خوش‌خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم» (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۷).

هدیه‌ای که نصیب خانواده می‌شد

اعیاد و مناسبت‌ها در آموزه‌های دینی، فرصتی برای ایجاد محبت و نشاط در خانواده است؛ فرصتی که در آن دادن هدیه و فراهم کردن موجبات شادی همسر و فرزندان توصیه شده است. یکی از ویژگی‌های رسول خدا(ص) این بود که برای همسران و خانواده خویش هدیه می‌خریدند، از این رو در روایتی آورده‌اند که خاتم انبیا(ص) هدایایی از بازار می‌خریدند و به منزل می‌بردند. (المحجه البیضاء، ج ۶، ص ۲۴۸). همچنین امام صادق(ع) در این باره فرمودند: «رسول اکرم(ص) هرگاه در روز عید عطری به‌دست می‌آورد، ابتدا آن را به همسرانش می‌داد» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۴۶).

هم‌نشینی‌ای که عبادت است

در سیره پیامبر(ص) آمده است که ایشان زمان‌هایی را به هم‌نشینی با خانواده اختصاص می‌دادند و با آن‌ها به صحبت و گفت‌وگو می‌پرداختند. در نگاه رسول خدا(ص)، خانه و خانواده چنان جایگاهی دارد که هر عملی در جهت تکریم و محبت به آنان را هم‌ردیف با عملی عبادی می‌دانند. ایشان در حدیثی در این زمینه می‌فرمایند: «در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد درکنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من، محبوب‌تر است.»

بهترینت را برای خانواده‌ات بگذار!

خداوند در قرآن کریم درباره رسول خدا(ص) می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری». همان رسولی که برای مکارم اخلاق آمده بود، مرد بزرگی که درباره چگونگی رفتار با خانواده در حدیثی فرمود: «خَيرُكُم خَيرُكُم لأهلِهِ وَأَنَا خَيرُكُم لأهلي؛ بهترین شما فردی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم». اوج ظهور و بروز این خلق عظیم که خدای متعال در قرآن کریم از آن سخن گفته است، در خانواده و خانه پیامبر(ص) نمود داشته است.

روشنا

امام حسن علیه‌السلام:
أسلَمُ القُلوبِ ما طَهُرَ مِن الشُّبُهات.

امام حسن(ع): سالم‌ترین دل‌ها، دلی است که از شبهات پاک باشد.
تحف‌العقول، ۲۳۵

شنیدنی

تا نقطه وصل او بسی هست دراز

روایتی از پیامبر اکرم(ص) درباره رفتن به مسجد

نیلوفر نویدی| خواب مادربزرگش را می‌دید. خیلی وقت بود که آرزوی دیدن دوباره‌اش را داشت. مادربزرگ مهربان بود، خیلی مهربان. همیشه لبخند بر لب داشت و هوادار نوه‌هایش در همه بازی‌ها بود. دست‌پختش حرف نداشت و بوی غذاهایش همیشه تا ده خانه آن طرف‌تر می‌رفت. با همه این‌ها، او به نمازهایش معروف بود و عینک روی قرآن بزرگ سورمه‌ای رنگش. همان سال‌ها وقتی می‌خواستند خانه‌شان را عوض کنند، شرطش این بود که به مسجد نزدیک باشد تا بتواند پیاده برود و بیاید. مسجد رفتن، عادت دوران کودکی مادربزرگ بود و بعدتر این عادت را برای مادر نیز به ارث گذاشته بود. او معتقد بود هنگام صبح، ظهر و مغرب، صدای اذان از مناره‌های مسجد باید در خانه بپیچد نه از تلویزیون. موقعی که او بود، هنوز گوشی هوشمندی وجود نداشت. با اشک بر روی گونه و لبخند شوق بر لب از خواب پرید. گوشی‌اش را بررسی کرد تا زمان دستش بیاید. نیم‌ساعتی تا اذان صبح مانده بود. سراغ یخچال و لیوان آب رفت. رؤیایش هنوز در ذهنش زنده بود. داشت برای مادربزرگ چای می‌ریخت و می‌خندید و او به دنبال چادرمشکی‌اش بود تا آن را مثل همیشه با همان مقنعه سفید که کشش را از رو انداخته بود، بپوشد و به مسجد برود. دوباره گوشی‌اش را بررسی کرد. یک ربع تا اذان صبح باقی مانده بود. از مسجد تا خانه‌شان پنج دقیقه پیاده‌روی داشت؛ دو کوچه آن طرف‌تر. انگار نزدیکی خانه به مسجد، رسم خانوادگی‌شان شده بود. کفش‌هایش را پوشید و راه افتاد...

«مؤمن در مسجد، مثل ماهی در آب است». این حدیث، فرموده رسول مهربانی‌ها، حضرت محمد(ص) است. مسجد، خانه آرامش و همان جایی است که می‌توان وسط هیاهوی روز و شب به آن پناه برد و با خدای خویش خلوت کرد. پیامبر اکرم(ص) در حدیث دیگری در این باره می‌فرمایند: «هرکه قدمی به‌سوی یکی از مساجد خداوند بردارد، برای هر قدم ثواب ده حسنه است تا برگردد به منزل خود، و ده خطا از لغزش‌هایش پاک می‌شود، همچنین در پیشگاه خداوند ده درجه ترفیع می‌یابد».

احکام

آیا به‌جای وضو می‌توان غسل غیرواجب کرد؟

پاسخ اجمالی؛ یکی از شرایط صحت نماز، طهارت ظاهری بدن از هر نوع آلودگی و نجاست ظاهری است و آنچه با استحمام حاصل می‌شود، طهارت ظاهری از این آلودگی‌هاست، اما علاوه بر طهارت ظاهری، یکی دیگر از شرایط نماز، تحصیل طهارت معنوی است که تنها از راه وضو و غسل به‌دست می‌آید و اگر استفاده از آب امکان‌پذیر نباشد، این طهارت معنوی و باطنی به‌وسیله تیممی که خدای متعال آن را به‌جای وضو یا غسل قرار داده است، به‌دست می‌آید.

خداوند متعال پس از آنکه بعضی اسباب پدیدآمدن آلودگی‌های روحی و باطنی را بیان فرموده است، راه از بین بردن این آلودگی‌ها را نیز بیان کرده که اگر از عواملی است که با وضو مشکل برطرف می‌شود مانند آنچه در رساله‌ها آمده است مثل خوابیدن، دستشویی کردن و... باید وضو بگیرید و اگر از عواملی است که با غسل برطرف می‌شود، باید غسل کنید. سپس می‌فرمایند که اگر استفاده از آب برای شما مقدور نبود، به وسیله خاک پاک تیمم کنید. آن‌گاه به حکمت آن می‌پردازد که «ولیطهّرکم.....» تا پاکیزه شوید.

آیات عظام امام‌خمینی، بهجت، خامنه‌ای و صافی: تنها با غسل جنابت می‌توان نماز خواند و با غسل‌های دیگر باید وضو هم گرفت.

آیت‌ا... مکارم‌شیرازی: با همه غسل‌های واجب و مستحب، می‌توان نماز خواند و گرفتن وضو واجب نیست. اما احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت، وضو هم بگیرد.

آیت‌ا... فاضل‌لنکرانی: با همه غسل‌های واجب -غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، نوری و وحیدخراسانی: با همه غسل‌های واجب و مستحب -غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد.